



زندگی و زمانه مرحوم محمد حسین فاضل تونی در گفت‌وگو با منوچهر صدوقی سها

عالم حکمت کهن و عارف باصفا

- او فقیه هم بوده است و شاگرد مرحوم درجه‌ای و هم‌دوره‌ای آیت... بروجردی و بسیار هم محل احترام ایشان بوده است. اما چندان عنایت و اشتغالی به این مباحث نداشته است.
- فاضل نوعا شفا تدریس می‌کرده و متمایل به حکمت مشاء و البته اهل عرفان هم بوده است.
- آقایان حسن‌زاده و جوادی‌آملی و آقازسی شیرازی نزد فاضل فصوص خوانده‌اند.
- دروغ شایعی وجود دارد که نوعا گفته می‌شود فاضل خط نداشته است.
- معروف است که او نمی‌توانسته خط بنویسد اما این دروغ است و ما خط او را دیده‌ایم.

علامه محمد حسین فاضل تونی سال ۱۲۵۹ شمسی در تون استان خراسان به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در ۱۷ سالگی به مشهد مهاجرت کرد و بعد از آن عازم حوزه اصفهان شد. در آنجا تحت تعلیم حکمی جهانگیرخان قشقایی و آخوندکاشانی قرار گرفت و فلسفه و عرفان را از محضر این دو بزرگوار تلمذ کرد. هم‌درس آیت... العظمی بروجردی بود. ایشان مرحوم فاضل را عمادالعلماء المتألهین لقب داده است. پس از آن عزم وطن کرد و در میانه راه در تهران تصمیم گرفت تا در میرزاهاشم اشکوری درس فصوص را آغاز کرد. بعد از تاسیس دانشگاه تهران به سمت استادی دانشکده معقول و منقول درآمد. او در سال ۱۳۳۹ از دنیا رفت. از فاضل تونی اولادی به‌جا نماند اما از شاگردان مهم او می‌توان به علامه حسن‌زاده‌آملی، آیت... جوادی‌آملی، آیت... سیدرضی شیرازی، محمد خوانساری، ذبیح... صفا، استاد جلال‌الدین مجتویی و مهدی محقق اشاره کرد. در سالگرد تولد این عارف حکیم درباره زندگی و زمانه او با منوچهر صدوقی سها، استاد فلسفه و عرفان اسلامی به گفت‌وگو نشستیم.



مهدی محسن رحمانی روزنامه‌نگار



سرکلاس می‌آمد کلی شوخی می‌کرد و بعد تدریس را آغاز می‌کرده است. مرحوم فاضل در طول عمر خود آزارش به یک مورچه هم نرسیده بود. این همه شاگرد تربیت کرده و کتاب نوشته است. یک پارچه صفا بوده است. خدا رحمتش کند. فاضل در ۱۳۳۹ شمسی فوت کرده و در مقبره شیخان قم به خاک سپرده شده است. او اولاد هم نداشته است.

می‌گویند ایشان به واسطه حافظ قوی‌شان چیزی یادداشت نمی‌کرد و نمی‌نوشت. خیر... او که این همه آثار دارد چطور نمی‌نوشته است. دلیل نمی‌شود که کسی که حافظه خوبی دارد خط ننویسد. در مورد فاضل دروغ شایعی وجود دارد که نوعا گفته می‌شود فاضل خط نداشته است. معروف است که او نمی‌توانسته خط بنویسد اما این دروغ است و ما خط او را دیده‌ایم.

چه آثاری از ایشان باقی مانده است؟ از آثار او تالیفیه مقدمه قیصری فصوص است که به منزله تز دکتری او بوده است. رساله معروف به الهیات و حکمت قدیم و منطق و چنانچه گفتم رساله حضرات خمس جزء آثار او نیست و صرفا نسخه‌برداری کرده است. مجموعه آثار او هم چاپ و منتشر شده است.

گویا در کتابی که شما به تازگی تصحیح کرده‌اید هم مرحوم فاضل با فروغی همکاری داشته است.

گفته می‌شود یکی از کارهای مرحوم فاضل همکاری با فروغی در ترجمه فن سماع طبیعی است. کتاب شفای شیخ‌الرئیس ابن سینا بوده است. فروغی آدم کمی نبوده است. نخست‌وزیر مملکت هم بوده و این همه آثار دارد. اسم مرحوم فاضل هفت، هشت، نه نفر از علمای تراز اول هم به‌عنوان همکاران او برده می‌شود؛ بدیع‌الزمان فروزانفر، سیدمحمد قاضی، ابوالحسن خان فروغی، میرزا طاهر تنکابنی، سیددولتی... خان نصر، سیدنصرا... تقوی، سیدمحمد مشکوه و آقا میرزا مهدی آشتیانی. اینها از علمای معروف آن وقتند و گفته می‌شود که فروغی این ترجمه را با همکاری یا مشاوره اینها انجام داده بوده است. اما الهی ماشاء... غلط در آن اثر وجود دارد و مفصل این داستان را باید در مقدمه من بر آن کتاب ببینید.

پس معتقدید فروغی به تنهایی اقدام کرده و کمکی از این افراد نگرفته است؟ استادالاساتید میرزا مهدی آشتیانی نقدی بر اثر فروغی دارد و من این اثر را تصحیح کرده‌ام. در بعضی صفحه‌ها ۱۰، ۱۲ اشکال می‌گیرد و چنانکه گفتم باید مقدمه بنده دیده شود.

آیا مرحوم فاضل با فلسفه غرب هم آشنایی داشت؟ آقای سیاسی در خاطرات نقل می‌کند که در جلساتی که در منزل ایشان تشکیل می‌شد، فاضل را با فلسفه غرب آشنا کرده‌اند. گمان نمی‌کنم. مرحوم فاضل که بازنشسته می‌شود قرار می‌شود تا کرسی درس او به مرحوم شعرانی سپرده شود. علامه شعرانی پیش سیاسی ریاست دانشگاه می‌رود و او از شعرانی درباره فلسفه غرب و دکارت می‌پرسد و متوجه می‌شود که شعرانی فرانسه می‌داند. سیاسی گفتار در روش دکارت به زبان اصلی فرانسوی را در اختیار مرحوم شعرانی قرار می‌دهد تا بخواند. شعرانی از حفظ می‌خواند و بعد هم شرح می‌کند و موجب قبول و ارادت سیاسی می‌شود و گمان می‌کنم که اصل داستان این باشد. علی‌احمال اگر دنبال واقع این مطلب باشیم باید خاطرات سیاسی را ببینیم.

و جوادی‌آملی و آقازسی شیرازی نزد فاضل فصوص خوانده‌اند. جالب اینجاست که مشائیت خیلی با عرفان سازگار نیست اما این اتفاق افتاده است. آقا میرزا طاهر تنکابنی هم با وجود اینکه حکیم مشایی درجه اول عصر خود بوده از مشایخ عرفا هم به حساب می‌آید. فاضل هم این‌طور بوده است.

می‌دانیم که مرحوم فاضل در اصفهان نزد جهانگیرخان قشقایی هم تعلیم دیده‌اند. آیا بعد عرفانی مرحوم فاضل تحت تأثیر تعلیمات ایشان بوده است؟ فاضل در عرفان شاگرد میرزاهاشم اشکوری بوده است. فاضل به اصفهان می‌رود و فلسفه را در خدمت جهانگیرخان قشقایی و آخوندکاشانی می‌خواند و بعد به تهران می‌آید و قصد بازگشت به ولایت خود که تون و طبرستان بود را داشت که متوجه شد میرزاهاشم اشکوری تدریس تمهیدالقواعد را شروع کرده است و در تهران می‌ماند و خدمت میرزاهاشم اشکوری می‌رسد و ماندگار می‌شود و در راه عرفان قرار می‌گیرد. البته عملا جهانگیرخان هم با اینکه حکیم بوده اما مرسی عرفانی هم بوده و تربیت می‌کرده است؛ هم او و هم آخوندکاشانی هر دو.

کتاب حضرات خمس هم حاصل هم‌نشینی با مرحوم اشکوری و ششانه‌ای از همین بعد فکری مرحوم فاضل است؟ حضرات خمس اثر مرحوم فاضل نیست. حضرات خمس عنوان رساله‌ای از میرزاهاشم اشکوری است که مرحوم فاضل آن را استنساخ کرده و یک نسخه از روی آن برداشته است. عکس این کتاب در اختیار من بود. استاد ما مرحوم میرزای روشن رضوان... علیه‌السلام را به من داد و من این را به مهدی محقق دادم و ایشان هم آن را در اختیار مرحوم صلاح‌الضای که استاد مصری مقیم ایران بود، داد و او آن را تصحیح و در مجله تحقیقات اسلامی دایره المعارف چاپ کرد.

ایشان در فقه و اصول هم دستی داشته است. بله، او فقیه هم بوده است و شاگرد مرحوم درجه‌ای و هم‌دوره‌ای آیت... بروجردی و بسیار هم محل احترام ایشان بوده است. اما چندان عنایت و

اعتراضاتی به حکمت متعالیه داشته باشم ولی مکتب غالب متبوع در ایران امروز این است. تا جایی که اگر کسی از این مکتب نباشد، هو می‌شود... ۴۰، ۵۰ سال پیش در عصر ما، حکیم بزرگوار بوده است به نام شیخ محمد صالح سبمانی که فقط یکی از کتاب‌های او پنج جلد حکمت بوعلی، درباره ابن سیناست. چون مخالف مشاء بوده هنوز که هنوز است صداتیان او را فیلسوف نمی‌دانند. چون با ملاصدرا موافق نبوده است. داستان ما این شده است که آدمی که ۳۰۰ جلد کتاب دارد که یکی از آنها حکمت بوعلی در ۲۰۰۰ صفحه درباره ابن سیناست، چون تابع ملاصدرا نیست؛ اتباع صدرا می‌گویند که اصلا فلسفه نمی‌فهمند! اینکه می‌گویم کسی نوآوری نمی‌کند معنایش این نیست که آخرین حرف را ملاصدرا زده است؛ هیچ‌وقت اما الان چنین اتفاقی افتاده است که گویا یک حاکم پرزور مقتدری است که کسی نمی‌تواند در مقابل او نفس بکشد. ملاصدرا امروز مثل نادرشاه افشار است.

مشرب فلسفی مرحوم فاضل به کدام سنت حکمی اسلامی نزدیک بود؟ فاضل نوعا شفا تدریس می‌کرده و متمایل به حکمت مشاء و البته اهل عرفان هم بوده است. آقایان حسن‌زاده

درباره موقعیت زمانی زیست علمی مرحوم فاضل تونی بفرمایید.

عصری در ایران به وجود آمد که هیچ‌وقت هم تکرار نشد و به نظر من بعدا هم تکرار نخواهد شد. مرحوم فاضل تونی و هم‌دوره‌های او، حکمایی که هم‌روزگار با او در تهران بودند، یک خصیصه دارند و آن این‌که علمایی بودند که در حوزه‌های علمیه به خوبی پرورش پیدا کرده بودند و به سیاق رسمی حوزه‌ها تحصیل کرده بودند و به نحو درستی تربیت شده بودند.

بعد از اینکه دانشگاه تهران تشکیل شد، سه سال بعد از این دانشگاه به وجود آمد؛ دانشکده معقول و منقول که بعدها شد دانشکده الهیات، دانشکده ادبیات فارسی، دانشکده حقوق و دانشسرای عالی هم در کنار اینها وجود داشت. این فضایی درس خوانده و تربیت شده در حوزه‌ها در این دانشکده‌ها داخل شدند و نتیجه همین حرفی که امروز به‌عنوان وحدت حوزه و دانشگاه تکرار می‌شود، در آن روزگار به صورت واقعی اتفاق افتاد و یک ممزوجی از تربیت دانشگاهی و تربیت حوزوی به معنای درست به وجود آمد که نتیجه آن مرحوم فاضل و طبقه او هستند. فاضل و آنساز که در طبقه فاضل هستند فرزند پدر و مادری به نام حوزه و دانشگاهند.

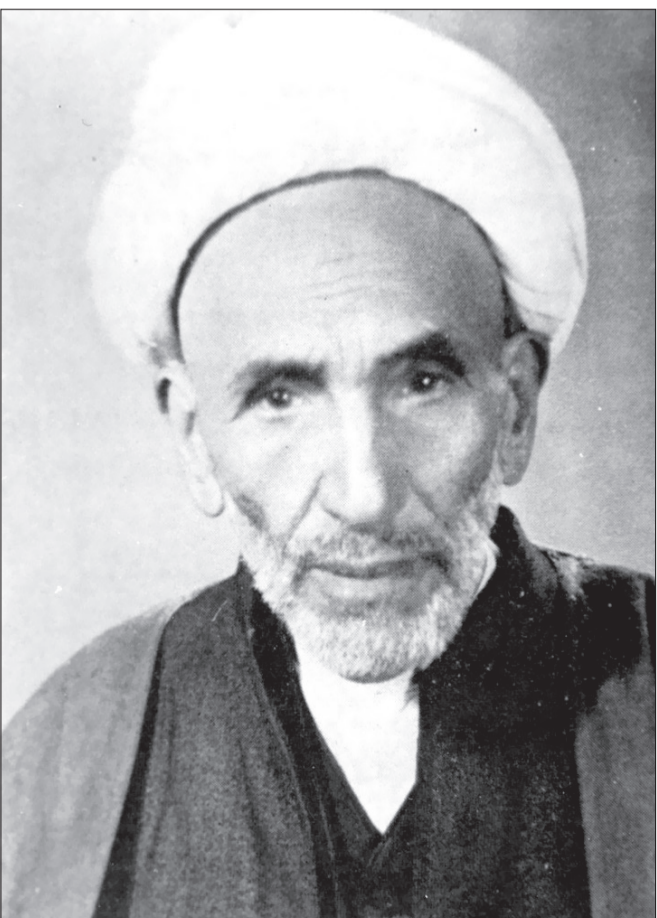
مرحوم فاضل به‌عنوان یکی از فیلسوفان مکتب تهران به حساب می‌آید. تاریخچه مکتب فلسفی تهران به چه زمانی برمی‌گردد. مرحوم فاضل در طبقه‌بندی حکمای حوزه تهران در چه طبقه‌ای است؟

امسال ۱۴۳۹ قمری است. یکی، دو سال پیش، حوزه فلسفی تهران به سومین قرن حیات خود وارد شد. در عصر فتحعلی شاه و در سال ۱۲۳۷ قمری، فیلسوف بزرگوار به نام آخوند ملاعبدا... زنونزی به تهران آمد تا در مدرسه مروی به تدریس بپردازد. عده دیگری هم از شهرهای دیگر از جمله اصفهان، سبزوار و شیراز به تهران آمدند و یک حوزه فلسفی در این شهر به وجود آوردند که دامنه‌اش تا امروز نیز گسترده است و به سومین قرن حیات خود وارد شده است. من در تحریر سوم تاریخ حکما که زیر چاپ است، حدود ۴۰۰ صفحه درباره حوزه تهران نوشته‌ام و ۱۰ تا ۱۵ موفه هم برای آن برشمرده‌ام. از ویژگی‌های حوزه فلسفی تهران این‌که آشنایی با فلسفه غربی در این حوزه اتفاق می‌افتد. بسیاری از متون فلسفه قدیم از جمله اشارات، شفاء اسفار، مفتاح‌الغیب، حکمه‌الاشراق و بسیاری دیگر به فارسی ترجمه می‌شوند. فنون ریاضی و حتی موسیقی و هیات جدید، (مانند متن فرانسه هیات جدید فلازاریون) در این حوزه تدریس می‌شده است.

در راس حکمای حوزه تهران آخوند ملاعبدا... زنونزی، موسس حوزه تهران است و بعد از او حکمای اربعه هستند. اول محمدرضا قمشه‌ای متخلص به صهبا که در ۱۳۰۶ قمری وفات کرد. دوم علی مدرس زنونزی، پسر آخوند ملاعبدا... که در ۱۳۰۷ از دنیا رفت. سوم میرزا ابوالحسن جلاوه‌افغانی، که در ۱۳۱۴ قمری از دنیا رفت و چهارم، میرزا حسین سبزواری، معروف به ریاضی (چون بیشتر ریاضی تدریس می‌کرد). طبقه به معنای استمرار استاد و شاگردی است. الان اساتیدی هستند که شاگردانی دارند و بعدا شاگردان جای آنها می‌نشینند. حوزه تهران چندین طبقه دارد. طبقه اول آخوند ملاعبدا... و هم‌ترازان او هستند و طبقه دوم حکمای اربعه هستند. طبقه بعد که شاگردان حکمای اربعه‌اند؛ میرزا حسن کرمانشاهی، میرزاهاشم اشکوری، میرزا طاهر تنکابنی، آقامیرشهاب‌نیریزی شیرازی و میرزا محمود قمی، شیخ علی شوارق که طبقه



فلسفه ایرانی به‌خصوص بعد از صدرالتعالیین نوعا نه ابتکاری دارند و نه اساسا بنا بر این است که ابتکاری داشته باشند. این یکی از حرف‌های بی‌معنایی است که در زمان ما مطرح است و مایه‌آزایی هم ندارد. فلاسفه بعد از صدرا، نوعا تابع او هستند و ابتکاری نه دارند و نه می‌توانند داشته باشند، چون حکمت‌متعالیه یک دستگاه منظم نهایی فلسفی است. بقیه تابع آن هستند و هیچ شخص دیگری نیست که مکتب جدیدی داشته باشد



مرحوم علامه محمد حسین فاضل تونی